



## روش‌شناسی پاسخ‌گویی به پرسش‌های اعتقادی

حجت‌الاسلام والمسلمین  
محسن عباسی‌ولدی

### جایگاه عالم در معارف دینی

برای تبیین جایگاه عالم دینی در معارف اسلامی به ذکر روایات ذیل بسنده می‌کنیم.

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود:

ای کمیل! مال اندوزان با آنکه [به ظاهر] زنده‌اند مرده‌اند و عالمان تا دنیا هست زنده‌اند. بیکرهایشان از میان می‌رود؛ اما یادشان در دل‌ها باقی است.<sup>۱</sup>

امام صادق (ع) فرمود:

مرگ هیچ‌کس نزد شیطان محبوب‌تر از مرگ عالم نیست.<sup>۲</sup>

امام موسی کاظم (ع) نیز فرمود:

چون مؤمن بمیرد فرشتگان و معابد (مساجد، کنیسه‌ها، کلیساها و ...) زمینی که او خدا را در آن‌ها عبادت می‌کرده، و درهای آسمانی که اعمالش از آن‌ها بالا می‌رفته بر وی گریه کنند، و در اسلام رخنه‌ای افتد که چیزی آن را نبندد، زیرا مؤمنین دانشمند دژهای اسلام‌اند؛ همچون دژهای اطراف شهر.<sup>۳</sup> از ذکر این نکته نمی‌توان چشم پوشید که صرف مطالعه کتب و حاضر شدن بر سر کلاس‌ها نمی‌تواند از یک انسان، عالم تأثیرگذاری بسازد. عالمی که از چنین جایگاه والایی برخوردار است باید دارای ویژگی‌هایی باشد. یکی از این ویژگی‌ها خشیت

الهی است که در قرآن به آن اشاره شده است.

از بندگان خدا تنها خاشعان از او می‌ترسند.<sup>۴</sup>

با توجه به این آیه باید گفت آن کس که در دل، خشیت خداوند را ندارد، از زمره علما خارج است. علم باید روی اخلاق و باطن انسان تأثیر بگذارد و اگر چنین نباشد، آنچه انسان به دست آورده علم نیست.<sup>۵</sup>

### اهمیت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها در معارف دینی

تأملی در مفهوم ایتم آل محمد (ص) و رسیدگی به امور این ایتم می‌تواند تا اندازه‌ی زیادی اهمیت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها را نشان دهد.

در روایات اهل بیت (ع) دو تعریف درباره‌ی یتیم وجود دارد؛ یکی کسی که پدر از دست داده و یکی هم کسی که از نعمت ارتباط با امام خود محروم است. رسول خدا (ص) در روایتی علاوه بر تعریف این دو، فضیلت توجه به امور یتیم نوع دوم را بیان می‌دارد. ایشان فرمود:

از یتیمی کسی که پدرش را از دست داده سخت‌تر، یتیمی کسی است که از امام خود بریده شده و توان دسترسی به او را ندارد و حکم مسائل دینی مورد ابتلایش را نمی‌داند. بدانید



**امام حسین (ع) فرمود: برتری کسی که یتیم آل محمد (ص) را که از سرپرستان خود جدا شده و در جهل فرورفته است سرپرستی کند و او را از جهل بیرون آورد و امور مشتبه را برای او روشن سازد، بر کسی که یتیمی را سرپرستی کند و به او آب و غذا دهد، مانند برتری خورشید بر ستارهٔ سیهاست**

حضور داشتند. امام، فقیه مذکور را بالا برد تا در صدر مجلس در جایگاه مخصوص نشاند و خود نیز رو به او نشست. این عمل امام (ع) بر اشراف مجلس سنگین آمد. علویون اعتراضی نکردند؛ اما بزرگ هاشمیان گفت: ای پسر رسول خدا! این گونه یک فرد عامی را بر سادات بنی هاشم - اعم از فرزندان ابوطالب و عباس - ترجیح می‌دهی؟

امام (ع) فرمود: مباد که از کسانی باشید که خداوند متعال فرمود: «آیا داستان کسانی را که بهره‌ای از کتاب [تورات] یافته‌اند ندانسته‌ای که [چون] به سوی کتاب خدا فراخوانده می‌شوند تا میانشان حکم کند، آنکه گروهی از آنان به حال اعراض، روی بر می‌تابند؟»<sup>۱۱</sup> آیا به کتاب خدا به عنوان حکم راضی هستید؟ گفتند: بلی.

فرمود: آیا خداوند نفرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به شما گفته شود: «در مجالس جای باز کنید، پس جای باز کنید تا خدا برای شما گشایش حاصل کند» و چون گفته شود: «برخیزید»، پس برخیزید. تا خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [برحسب] درجات بلند گرداند، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است»<sup>۱۲</sup> پس خداوند دربارهٔ دانشمند مؤمن به چیزی جز این راضی نیست که نسبت به مؤمنی که عالم نیست برتری داده شود؛ همان گونه که دربارهٔ مؤمن به چیزی جز این راضی نیست که بر غیر مؤمن برتری داده شود. به من بگویید که آیا خداوند فرمود: «تا خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [برحسب] درجات بلند گرداند.» یا اینکه فرمود: «خداوند کسانی را که شرافت نسب دارند، [برحسب] درجات بلند گرداند.»؟ آیا خداوند نفرمود: «آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟»<sup>۱۳</sup>

پس چرا شما با جایگاهی که من برای این فقیه قائل شدم، به جهت جایگاهی که خدا برای او قائل شده مخالفت می‌کنید؟ اینکه این فقیه توانست با براهین الهی آن فرد ناصبی را شکست دهد از هر شرافت نسبی ارزشمندتر است.<sup>۱۴</sup>

#### پی‌نوشت‌ها

۱. «قال علی (ع): یا کمیل هلک خزان الاموال و هم احماء، و العلماء باقون ما بقى الدهر. اعیانهم مفقودة، و أمثالهم فی القلوب موجودة» الارشاد، ج ۱، ص ۲۲۷؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ص ۲۹۱؛ نهج‌البلاغه، قصار ۱۴۷؛ الامالی (شیخ طوسی)، ص ۳۰؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۰۳.
۲. «قال أبی عبدالله (ع): ما أحد يموت من المؤمنین أحب إلی إلیس من موت فقیه» الکافی، ج ۱، ص ۳۸؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۶؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۲۰.
۳. «عن علی بن أبی حمزة قال: سمعت أبی الحسن موسی بن جعفر (ع) یقول: إذا مات المؤمن بکت علیه الملائكة و بقاع الأرض التي کان یعد الله علیها، و أبواب السماء التي کان یصعد فیها بأعماله، و تلم فی الإسلام

که هر کس از شیعیان ما به علوم ما آگاه باشد، این شخصی که به شریعت ما آگاه نیست و دسترسی به ما ندارد، یتیمی است در دامن او. بدانید که هر کس او را هدایت و ارشاد کند و شریعت و احکام ما را به او بیاموزد، در جمع بهشتیان برین با ما خواهد بود.<sup>۶</sup>

امام حسن (ع) به فردی که برای او هدیه‌ای آورده بود فرمود: کدام‌یک از این دو برایت محبوب‌تر است: این که در عوض این هدیه بیست برابر، بیست هزار درهم به تو بدهم، یا بایی از دانش بگشایم که فلان ناصبی را که در قریهٔ شماسه شکست دهی و اهل قریهات را از دست او نجات دهی؟ اگر گزینهٔ خوب را انتخاب کنی، هر دو را به تو خواهیم داد و اگر گزینهٔ بد را انتخاب کنی تو را مخیر می‌کنم تا هر یک را خواستی بگیری. مرد گفت: ای پسر رسول خدا! پاداش من در شکست دادن آن ناصبی و نجات آنان از دست اوست. بیست هزار درهم چه ارزشی دارد؟

امام (ع) فرمود: بلکه بیش از دنیا؛ بیست میلیون بار بیشتر. مرد گفت: چرا گزینهٔ پست‌تر را انتخاب کنم؛ همان گزینهٔ برتر را انتخاب می‌کنم.

آنگاه امام (ع) آن مطلب را به او آموخت و بیست هزار درهم به او عطا کرد.

این مرد رفت و با دلیل بر آن ناصبی غلبه کرد. وقتی به محضر امام حسن (ع) آمد، حضرت فرمود: کسی مانند تو سود نکرد و کسی مانند تو مودت‌هایی را برای خویش به دست نیاورد: مودت خدا در مقام اول، مودت حضرت محمد (ص) و علی (ع) در مقام دوم، مودت پاکان از اهل بیت محمد و علی (ع) سوم، مودت ملائکه مقرب درگاه خداوند متعال چهارم و مودت برادران دینی پنجم. تو به عدد تمام مؤمنان و کافران چیزی را به دست آوردی که هزار برابر دنیا ارزش دارد، پس گوارایت باد گوارایت باد.<sup>۷</sup>

هر کس یتیمی از ما را که به سبب در خفا و استتار بودن ما، به ما دسترسی ندارد سرپرستی کند و از علوم ما که نصیب او شده است در اختیار وی بگذارد و او را راهنمایی و هدایت کند، خداوند عز و جل می‌فرماید: ای بندهٔ کریم و غمخوار! من به کرم و بخشندگی از تو سزاورترم. ای فرشتگان من! به تعداد هر حرفی که به او آموخته است، هزار هزار قصر در بهشت‌ها برایش بسازید و از دیگر نعمت‌هایی که در خور این قصرها است به آن‌ها اضافه کنید.<sup>۸</sup>

امام حسن عسکری (ع) فرمود:

به امام هادی (ع) خبر رسید که یکی از فقهای شیعه با فردی ناصبی سخن گفته و با دلیل او را محکوم و رسوا کرده است. فقیه مذکور بر امام (ع) وارد شد. در صدر مجلس جایگاه رفیعی تدارک دیده شده بود و امام کنار آن جایگاه نشسته بود و تعداد زیادی از علویان و بنی‌هاشم نیز در آن مجلس







محمدالعسكري(ع): ان رجلا من فقهاء شيعته كلم بعض النصاب فافهمه بحجته حتى ابان عن فضيحته، فدخل إلى علي بن محمد(ع) و في صدر مجلسه دست عظيم منصوب و هو قاعد خارج الدست، و حضرته خلق من العلويين و بنى هاشم، فما زال يرفعه حتى أجلسه في ذلك الدست، و اقبل عليه فاشند ذلك على اولئك الاشراف، فاما العلوية فاجلوه عن العتاب، و اما الهاشميون فقال له شيخهم: يابن رسول الله هكذا تؤثر عاميا على سادات بنى هاشم من الطالبين و العباسيين؟! فقال(ع): اياكم و ان تكونوا من الذين قال الله تعالى فيهم: «لم تر الى الذين اوتوا نصيبا من الكتاب يدعون إلى كتاب الله ليحكم بينهم ثم يتولى فريق منهم و هم معرضون» أترضون بكتاب الله حكما؟ قالوا: بلى. قال: أليس الله يقول: «يا أيها الذين آمنوا إذا قيل لكم تفسحوا في المجالس فافسحوا ففسح الله لكم» إلى قوله «يرفع الله الذين آمنوا منكم و الذين اوتوا العلم درجات» فلم يرض للعالم المؤمن إلا ان يرفع على المؤمن غيرالعالم، كما لم يرض للمؤمن إلا أن يرفع على من ليس بمؤمن، اخبروني عنه قال: «يرفع الله الذين آمنوا منكم و الذين اوتوا العلم درجات»؟ أو قال: «يرفع الذين اوتوا شرف النسب درجات»؟ أو ليس قال الله: «هل يستوى الذين يعلمون و الذين لا يعلمون» فكيف تنكرون رفعي لهذا لما رفعه الله؟! ان كسر هذا (لفلان) الناصب بحجج الله التي علمه إياها، لا فضل له من كل شرف في النسب.» الاحتجاج، ج ٢، ص ٢٥٩؛ بحارالانوار، ج ٢، ص ١٣.

ثلثة لايسدها شى لأن المؤمنين الفقهاء حصون الإسلام كحصن سور المدينة لها» الكافي، ج ١، ص ٣٨؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٣٩؛ قربالاسناد، ص ٣٣؛ وسائل الشيعه، ج ٣، ص ٣٨٣؛ منية المرید، ص ١١٣؛ بحارالانوار، ج ٧٩، ص ١٧٧.

٤. إنما يخشى الله من عباده العلماء، سورة فاطر: ٣٥، آية ٢٨.  
٥. ر.ك: اربعين حديث، ص ٣٩٣.

٦. «أبو يعقوب يوسف بن محمد بن زياد و ابوالحسن علي بن محمد بن سيار - و كانا من الشيعة الامامية - قالوا حدثنا أبو محمد الحسن بن علي العسكري(ع)، قال حدثني ابي عن ابيه(ع) عن رسول الله(ص) انه قال: اشد من يتم اليتيم الذى انقطع من امه و ابيه يتم اليتيم عن امامه و لا يقدر على الوصول إليه و لا يدري كيف حكمه فيما يتبلى به من شرائع دينه، إلا فمن كان من شيعتنا عالما بعلومنا، و هذا الجاهل بشر يعتنا المنقطع عن مشاهدتنا يتيم في حجره، إلا فمن هداه و ارشده و علمه شريعتنا كان معنا في الفريق الأعلى.» الاحتجاج، ج ١، ص ٩؛ منية المرید؛ ص ١١٤؛ الفصول المهمة في اصول الائمه؛ ج ١، ص ٥٩٩؛ بحارالانوار، ج ٢، ص ٢.

٧. «بالاسناد عن أبي محمد(ع) قال: قال الحسن بن علي بن أبي طالب(ع) - و قد حمل إليه رجل هدية - فقال له: أيما أحب إليك؟ أن أرد عليك بدلها عشرين ضعفا عشرين ألف درهم أو أفتح لك بابا من العلم تقهر فلان ناصبي في قريتك، تنقذ به ضعفاء أهل قريتك؟ إن أحسنت الاختيار جمعت لك الأمرين، و إن أسأت الاختيار خيرت لك لتأخذ أيهما شئت، فقال: يا ابن رسول الله فتواي في فهري ذلك اناصب و استنقاذي لاولئك الضعفاء من يده قدره عشرون ألف درهم؟ قال بل أكثر من الدنيا عشرين ألف مرة! فقال: يا ابن رسول الله فكيف أختار الأدون بل أختار الأدون بل أختار الأفضل: الكلمة التي أقهر بها عدو الله و أذوده عن أولياء الله. فقال الحسن بن علي(ع): قد أحسنت الاختيار و علمه الكلمة و أعطاه عشرين ألف درهم، فذهب فأفحم الرجل فانصل خبره به، فقال له إذ حضره: يا عبدالله ما ربح أحد مثل ربحك، و لا اكتسب أحد من الأوداء ما اكتسبت، اكتسبت مودة الله أولاً، و مودة محمد صلى الله عليه و آله و مودة علي ثانيا، و مودة الطيبين من ألهما ثالثا، و مودة ملائكة الله رابعا، و مودة إخوانك المؤمنين خامسا، فاكسبت بعدد كل مؤمن و كافر ما هو أفضل من الدنيا ألف مرة فهنيئا لك هنيئا.» الاحتجاج، ج ١، ص ١٩؛ الصراط المستقيم، ج ٣، ص ٥٧؛ بحارالانوار، ج ٢، ص ٨.

٨. ستاره كوچكى از ستارگان دب اكبر.

٩. «عن ابي محمدالحسن بن علي العسكري(ع) قال: قال الحسين ابن علي فضل كافل يتيم آل محمد المنقطع عن مواليه الناشب في رتبة الجهل يخرج من جهله و يوضح له ما اشتبه عليه على فضل كافل يتيم يطعمه و يسقيه كفضل الشمس على السها.» الاحتجاج، ج ١، ص ١١؛ منية المرید؛ ص ١١٦؛ الفصول المهمة، في اصول الائمه؛ ج ١، ص ٦٠١؛ بحارالانوار، ج ٢، ص ٣.

١٠. «عن ابي محمدالحسن بن علي العسكري(ع) قال: قال الحسين بن علي(ع): من كفل لنا يتيما قطعته عنا محنتنا باستنارنا فواساه من علومنا التي سقطت إليه حتى ارشده و هداه قال الله عزوجل: ايها العبد الكريم المواسي لاخيه انا اولي بالكرم منك، اجعلوا له يا ملائكتي في الجنان بعدد كل حرف علمه ألف ألف قصر وضموا إليها ما يليق بها من سائر النعيم.» الاحتجاج، ج ١، ص ١١؛ منية المرید؛ ص ١١٦؛ الفصول المهمة، في اصول الائمه؛ ج ١، ص ٦٠١؛ بحارالانوار، ج ٢، ص ٤.

١١. سورة ال عمران: ٣، آية ٢٣.

١٢. سورة مجادله: ٥٨، آية ١١.

١٣. سورة زمر: ٣٩، آية ٣٩.

١٤. «وروي عن الحسن العسكري(ع): انه اتصل بأبي الحسن علي بن

# پرسش های اعتقادی